

## نقد و بررسی نظریه وحی نبوغی

رحمت‌الله نوری\*

### چکیده

بهتان‌های ناشایست به پیامبر اسلام ﷺ و پیدایش تفاسیر مختلف از وحی، مراحل گوناگونی را در طول تاریخ اسلام طی کرده است. خاورشناسان در تحلیل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی از وحی، سرچشمه بیرونی وحی را انکار کرده و آن را به پدیده درونی و روانی «وحی نبوغی» فرو کاسته‌اند. این رویکرد، پیامبر اسلام ﷺ را جزو نوابغ شمرده که با استمداد از نبوغ فکری خود و آگاهی از اوضاع و تحولات جامعه برای هدایت و سعادت بشر یک سری احکام فردی و اجتماعی را وضع یا بازآفرینی می‌کند که در اصطلاح، مقررات خود را دین می‌نامد. پژوهش حاضر در پی آن است که با رجوع به آیات قرآن کریم، این رهیافت خاورشناسان را نقد و منشأ الهی وحی قرآنی را بازشناسی نماید.

**واژگان کلیدی:** وحی نبوغی، وحی قرآنی، خاورشناسان، روان‌شناختی، روان‌کاوی،

جامعه‌شناختی.

---

\*. کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن و عضو شورای مدیریت انجمن تفسیر و علوم قرآن جامعه

المصطفیٰ ﷺ العالمیه واحد مشهد مقدس، Email: rhnoori1390@gmail.com

کسانی بر پندار انکار وحی بوده‌اند، این انکار از عصر جاهلیت با تهمت‌های ناروا نسبت به پیامبر ﷺ و وحی آغاز می‌گردد و با طرح برخی شبهات نوپدید که معاندان امروزی بر پیامبر اسلام ﷺ و آخرین صحیفه آسمانی به زبان یا قلم آورده‌اند، ادامه پیدا می‌کند. خاورشناسان قدیم که در پی تخریب چهره پیامبر اسلام ﷺ بودند و دوشادوش منکران و مشرکان وحی که به پیامبر ﷺ نسبت‌های شعر، جن‌زدگی، سحر، افسانه و... را می‌دادند.

آنان نیز پیامبر اسلام را شخص دروغ‌گو و انسان مبتلا به بیماری صرع و هیستریک معرفی می‌کردند؛ ولی امروز اغلب خاورشناسان دریافته‌اند که با ادعای بی‌پایه و اساس و مغرضانه و کینه‌توزانه نمی‌توانند به تجزیه و تحلیل شخصیت پیامبر اسلام و قرآن پرداخت و اذهان حقیقت‌جو و جستجوگر اسلام‌پژوهان را اقناع کرد. لذا دیدگاه آنان نسبت به پیامبر اسلام ﷺ به نحو چشمگیری تغییر پیدا کرده است، اما نداشتن اعتقاد به وحی آنان را واداشته است که بجای تخطئه پیامبر اسلام، وحی را مورد تردید و تخطئه قرار دهند و یا آن را بر اساس مبانی و داده‌های نوین علوم اجتماعی و روان‌شناختی تحلیل و توجیه نمایند. این افراد به‌منظور جمع و سازگاری میان علوم جدید و عقیده به نبوت و وحی یا در حقیقت تطبیق نظریه خود بر وحی الهی، آن را به «وحی نبوغی» تفسیر و تعبیر می‌کنند.

## فصل اول: کلیات

### مبحث اول: تعریف وحی قرآنی

تعریف حقیقی از وحی برای بشر عادی ممکن نیست؛ زیرا وحی نبوی پدیده‌ای فراطبیعی و خارج از قلمرو ابزارهای عمومی معرفت بشری است؛ از این رو تا کسی در این موقعیت قرار نگرفته از راز و رمز این حقیقت نمی‌تواند آگاهی یابد و از کاربردهای قرآن هم این‌چنین استفاده می‌شود که قرآن اصراری ندارد تا حقیقت وحی را تبیین کند به‌گونه‌ای که انسان‌های عادی آن را درک کنند. بلکه قرآن توجه بیشتر به بیان ویژگی‌های وحی دارد و از حقیقت وحی مانند

بسیاری از معارف که قابل درک همگان نیست با سکوت عبور کرده است (احمدی، ۱۳۸۱، ۲۱). اما قرآن که مهم‌ترین اثر وحی است و سند نبوت اسلام می‌باشد فرا روی ماست و خصوصیات و ویژگی‌های بسیاری را در مورد وحی برای ما بازگو کرده است که بر اساس آن و نیز حالات دریافت کننده وحی، ما می‌توانیم تا حدودی به تعریف آن نزدیک شویم.

بدین ترتیب وحی در اصطلاح عبارت است از تفهیم ویژه یک سلسله حقایق و معارف از جانب خداوند به انسان‌های برگزیده که خود هیچ نقشی در انتخاب به رسالت و دریافت این علوم و معلومات ندارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ۱۹؛ حکیم، ۱۳۸۴، ۲۳). همان‌گونه که از آیات ذیل این برداشت می‌شود: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ» (انعام / ۱۲۴) و «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظَلِّعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ» (آل عمران / ۱۷۹) و «اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ»؛ (حج / ۲۲) یعنی پیامبر فردی است که از جانب خدا برگزیده می‌شود. او صلاحیت و قابلیت دریافت وحی و آگاهی از جهان غیب را در ذات خود دارد. کیست که بتواند چنین صلاحیتی را جز خداوند تشخیص بدهد؟ تنها او داند و بس.

در این تعریف، «وحی» یک نوع ارتباط معنوی است که پیامبران الهی برای دریافت یک سلسله حقایق، معارف و پیام آسمانی با غیب برقرار می‌کنند و پیامبران، پیام را به واسطه همین ارتباط (وحی) از مرکز آن دریافت می‌کنند (کریمی، ۱۳۸۶، ۳۹).

### مبحث دوم: تعریف استشراق

«شرق‌شناسی» یا «خاورشناسی» که در عربی از آن به «استشراق» یاد می‌شود، معادل واژه انگلیسی «orientalism» است. اجزای ترکیب «شرق‌شناسی» از دیرباز در بیشتر زبان‌ها وجود داشته است؛ اما هیچ‌یک از لغات و فرهنگ‌ها تا پیش از ۱۷۷۹ م (رضوان، ۱۴۱۳، ج ۱، ۲۳) یا ۱۷۸۰ م (سعید، ۱۳۷۷، ۳۷۶) که این واژه در زبان انگلیسی پدید آمد، با آن آشنایی نداشتند (ریس، ۱۳۸۶، ص ۱۹). در اصطلاح به آن دسته پژوهش‌های غربی که در خصوص میراث شرق و به‌ویژه مسائل مرتبط با تاریخ، زبان، ادبیات هنر، علوم، عادات و فرهنگ شرق اسلامی انجام می‌پذیرد (رضوان، ۱۴۱۳، ج ۱، ۲۳).

## مبحث سوم: منشأ وحی قرآنی

مشهور مسلمانان قرآن را به لفظ و محتوا از آن خداوند متعال می‌دانند ولی خاورشناسان سه دیدگاه دارند؛ که یکی از آنها موافق دیدگاه عموم مسلمانان است.

### گفتار اول: دیدگاه مسلمانان

عقیده عمومی مسلمین - که البته ریشه آن همان ظواهر لفظی قرآن می‌باشد- درباره وحی قرآنی این است که قرآن، حاصل وحی الهی به پیامبر ﷺ، کلام الهی و معجزه پیامبر ﷺ برای هدایت بشر است که به وسیله یکی از مقربین ملائکه که موجوداتی آسمانی هستند به پیامبر اکرم ﷺ فرستاده شده است. نام این ملک- فرشته - جبرئیل و روح الامین است. سخن خدا را تدریجاً در مدت بیست و سه سال به پیامبر اکرم ﷺ رسانیده و به موجب آن به حضرت مأموریت داده شده است که لفظ آیات آن را بر مردم بخواند و مضامین آنها را بفهماند و به سوی معارف اعتقادی و مقررات اجتماعی و قوانین مدنی و وظائف فردی که قرآن بیان می‌کند دعوت کند. بی‌اینکه کمترین دخل و تصرفی در مواد دعوت داشته و از پیش خود چیزی بر آنها بیفزاید یا بکاهد یا پس‌وپیش کند (طباطبایی، ۱۳۶۰، ۱۰۴).

### گفتار دوم: نگاه خاورشناسان

دانشمندان غربی صاحب‌نظر درباره وحی قرآنی و به پیروی از آنها برخی روشن‌فکران مسلمان متأثر از خاورشناسان - که به بررسی قرآن پرداخته و آثاری در این زمینه‌ها نوشته‌اند- دیدگاه‌ها و رویکردهایی متفاوت نسبت به وحی قرآنی داشته‌اند:

۱. برخی از شرق‌شناسان غربی با انصاف و حقیقت‌جو؛ مانند دکتر موریس بوکای فرانسوی، (Maurice Bucaille)؛ جان دیوان پورت انگلیسی (John Davenport) و شهید دکتر ادواردو آنیلی (Edoardo Agnelli) ایتالیایی، منشأ قرآن کریم را وحی آشکار الهی دانسته‌اند و معتقدند قرآن توسط جبرئیل امین بر حضرت محمد ﷺ نازل شده است؛ یعنی قرآن در لفظ و محتوا از جانب خداوند بر پیامبرش فرو فرستاده شده است (رضایی و حلیم اف، ۱۳۸۸، ۱۱۲)؛ همان اعتقاد غالب مسلمانان که الفاظ قرآن کریم همانند محتوای آن الهی هستند. این گروه

بعد از بررسی فراوان، وقتی به این حقیقت - که مصدر قرآن وحیانی است - دست یافته‌اند، از دین سابق خود (مسیحیت، یهودیت و...) دست کشیده و به دین اسلام گراییده‌اند و در این خصوص، مقالات علمی ارزنده‌ای تألیف کرده‌اند (زمانی، ۱۳۸۵، ۱۲۶ - ۱۲۷؛ رضایی و حلیم اف، ۱۳۸۸، ۱۱۳).

۲. گروهی دیگر از دانشمندان قرآن‌پژوه غیرمسلمان مانند؛ پرفسور هانری کربن (Henry Corbin) فرانسوی، ایزوتسوی (Izutsu Toshihiko) ژاپنی، توماس کارلایل (Thomas Carlyle) اسکاتلندی و جرجی زیدان مسیحی به این نتیجه رسیده‌اند که معارف قرآن عالی و منطبق با آموزه‌های الهی است که قطعاً یک نوع پیوند با خدا دارد و به‌گونه‌ای مورد عنایت خدا بوده و به همین خاطر سبب نجات مردم جزیره‌العرب و سعادت میلیاردها انسان مسلمان در طول تاریخ شده است (رضایی و حلیم اف، ۱۳۸۸، ۱۱۳). این دسته از خاورشناسان نزول وحی خداوند بر حضرت محمد ﷺ و منشأ مستقیم وحیانی آیات قرآن را نپذیرفته‌اند، از این رو قرآن را کتاب آسمانی و وحیانی و اسلام را آخرین دین الهی ندانسته و به آن نگروریده‌اند و بر دین خود باقی مانده‌اند، اما در جای‌جای نوشته‌های خود به تجلیل از کمالات و آموزه‌های سعادت‌بخش و عقاید واقع‌بینانه و توصیه‌های حکیمانه اخلاقی قرآن و کمالات و فضائل اخلاقی حضرت محمد ﷺ و یاران آن حضرت و خدمات اسلام و مسلمانان به بشریت در طول تاریخ و نقش الهام‌بخش تمدن مسلمانان به غربیان و سهم مسلمانان در پایه‌گذاری تمدن جدید غرب پرداخته‌اند (زمانی، ۱۳۸۵: ۱۲۷).

۳. دسته سوم آن دسته از خاورشناسان معاندند که قرآن را ساخته و پرداخته ذهن حضرت محمد ﷺ دانسته‌اند. آنها می‌گویند: قرآن وحی نیست یا از این جهت که اصولاً ارتباط انسان و خدا مستقیماً ممکن نمی‌باشد یا از آن جهت که به محمد ﷺ وحی نرسیده، بلکه او در سفر و حضر از زبان این‌وآن - به‌ویژه یهود و مسیحیان - چیزهایی شنیده و با آنچه از محیط تأثیر پذیرفته و در خلوت غار حرا بدان اندیشیده، در آمیخته و چکیده و گزیده آن را به‌عنوان قرآن آسمانی تألیف کرده است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۱، ۱۴۴؛ ذکاوتی قراگزلو، ۱۳۸۶، ۳۰)؛ یا به جهت دیگری است و آن بهره‌گیری پیامبران از نبوغ ذاتی خود بوده که در برهه‌هایی از



تاریخ بشر درخشیده‌اند و طرح‌های نوینی را برای هدایت بشر مطرح کرده‌اند. این دیدگاه، وحی را محصول بشری دانسته که پیامبر خود با تفکر خویش به راه حلی برای نجات بشر می‌پردازد.

### مبحث چهارم: روش‌شناسی خاورشناسان در تفسیر وحی

خاورشناسان برای آسان شدن امر پژوهش و رسیدن به نتایج مطلوب از روش‌های متنوع بهره‌جسته‌اند. آنها در بررسی معارف قرآن و آموزه‌های اسلام از روش‌های گوناگونی همچون روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بهره‌گرفته‌اند (نوبری، ۱۳۸۹، ۱۵).

#### گفتار اول: روش روان‌شناختی

به روشی که در آن پژوهشگر تحلیلی از ارتباط و سنخیت بین موضوعات اندیشه‌ای و رفتاری یک شخص و ویژگی‌ها و ساختار روحی و روانی ارائه می‌دهد، روش روان‌شناختی گفته می‌شود. خاورشناسان در مطالعات خود به جنبه‌های مختلفی مانند تلقی وحی، روحیات شخصیتی، تجربه وحیانی، علل پذیرش دین از طرف مردم و ... پرداخته‌اند. آن‌ها در این بررسی‌ها به دنبال روشن کردن جنبه‌های پنهان و تاریک علل ظهور دین اسلام و پذیرش گسترده آن و تأثیرات آموزه‌هایش بر افراد در کوتاه‌ترین زمان بوده‌اند.

نتایج حاصل از این روش پژوهشی به نوع پیش‌فرض‌های محقق بستگی داشته است؛ گروهی نتیجه گرفته‌اند پیامبر ﷺ دستخوش هیجانات و عواطف شدید بود تا جایی که باور می‌کند با عالم ماوراء و غیب و الوهیت در ارتباط است، افرادی دیگر مانند مونتگمری وات برخورد اولیه پیام‌رسان وحی را با پیامبر ﷺ یک تجربه و رؤیای محرک و تأثیرگذار می‌دانند (بل، ۱۳۸۲، ۴۸؛ نوبری، ۱۳۸۹، ۲۱) و در این مورد به آیاتی از قرآن استدلال می‌کند که تغییر نام پیام‌رسان وحی در قرآن از خدا پنداری به روح انگاری و در نهایت جبرئیل خوانی آن، نتیجه تکمیل اطلاعات پیامبر ﷺ از آموزه‌های یهود می‌باشد. وات این سیر تحول را عاملی برای اعتماد و ایمان پیدا کردن حضرت به پیامبری خود می‌داند. وی در کتاب «محمد، پیامبر و سیاستمدار»، مدعی می‌شود که اگر رؤیاها و تجلیات تخیلی جبرئیل نبود، او قصد خودکشی داشت (وات، ۱۳۴۴، ۱۷-۱۸) او این ادعا را به روایاتی مستند می‌کند که مدرکی از آن‌ها به



دست نمی‌دهد؛ گرچه برخی مدارک ضعیفی در کتب اهل سنت وجود دارد (نوبری، ۱۳۸۹، ۲۱).

نقطه آغازین تفسیر روان‌شناختی از وحی و نادیده انگاشتن اتصال نفس نبوی به عالم غیب الوهی، در حوزه آیین اسلام به عصر نزول قرآن برمی‌گردد. مشرکان و کافران با توسل به این تفسیر، به انکار وحی و نبوت پیامبر اسلام ﷺ و ارتباط وی با عالم غیب می‌پرداختند. قرآن کریم یکی از تفاسیر و بهانه‌های مخالفان پیامبر ﷺ را تفسیر حسی و روان‌شناسی وحی ذکر می‌کند و از زبان آنان در تحلیل وحی می‌فرماید: «ان هذ الا اختلاق» (ص / ۷)، «ان هذ الا أساطیر الأولین» (انعام / ۲۵)، «بل قالوا أضغاث أحلام» (انبیاء / ۵)، «بل هو شاعر» (انبیاء / ۵).

### گفتار دوم: روش جامعه‌شناختی

روش جامعه‌شناختی روشی است که در آن پژوهشگر به تحلیل جامعه زمان نزول قرآن و تبیین موارد پنهان و تأثیرگذار فرهنگ آن زمان و تأثیرپذیری آن از قرآن می‌باشد. استفاده از این روش در آثار خاورشناسان به صورت گسترده یافت می‌شود. آنچه باعث شده این آثار راه انحراف را پیش گیرند، داشتن پیش‌فرض‌های ناصواب مانند بشری بودن قرآن، پ یا قابلیت تأثیرپذیری آن از فرهنگ زمانه می‌باشد. خاورشناسان با استفاده از این روش به بررسی باورهای مردم دوران جاهلیت پرداخته و به اثبات تأثیر آن باورها در آیات قرآن کریم اقدام کرده‌اند (نوبری، ۱۳۸۹، ۱۸ - ۱۹) و نیز از منظر جامعه‌شناسی بر این باورند که جامعه و جبر تاریخ در بستر خود، انسان‌های نادر و نابغه را تربیت کرده که هر کدام در عرصه‌های مختلف، موجب تحولات شگفت‌انگیزی شده‌اند و هر یک به سهم خود، تطورات عظیمی را بنا نهاده‌اند، به نحوی که می‌توان آنان را تاریخ‌سازان جامعه لقب داد (قدردان قراملکی، ۱۳۸۸، ۱۰۲ - ۱۰۲). اکنون به تفسیر و تحلیل روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه از وحی می‌پردازیم.

## فصل دوم: نظریه وحی نبوی

وحی نبوی عبارت است از تحلیلی از وحی بر مبنای روان‌شناختی - اجتماعی و روان‌کاوی شخص پیامبر ﷺ که در آن وحی، نتیجه نبوغ سرشار انسان و شخص مدعی وحی تلقی می‌گردد. نظریه وحی نبوی جامع دو تحلیل روان‌شناختی - اجتماعی و روان‌کاوی شخص پیامبر ﷺ است (باقری اصل، ۱۳۸۱، ۱۷).

### مبحث اول: نظریه روان‌شناختی - اجتماعی وحی نبوی

دیدگاهی، وحی را حاصل «نبوغ فکری و اجتماعی» پیامبران می‌داند که به واسطه شخصیت درونی برجسته آنها بر ایشان بروز و ظهور یافته است. بر اساس این دیدگاه، همان‌گونه که در میان انسان‌ها افرادی هستند که در کشف راز پدیده‌های جهان سرآمد و به اصطلاح نابغه‌اند و نقطه‌های عطفی را در تاریخ علم و تمدن بشر پیش می‌آورند. مثلاً در عرصه فلسفه، افلاطون و بوعلی سینا، در عرصه علم طب، پاستور و در عرصه سیاست و حکومت، ناپلئون؛ هر کدام تحولات و تطورات بس عظیمی را خلق کرده‌اند که در اصطلاح نوابغ و تاریخ‌سازان تعبیر می‌شود؛ (قدردان قرا ملکی، ۱۳۸۸، ۱۰۲ - ۱۰۲) همین‌طور، افرادی نیز وجود دارند که در کشف و طرح قوانین متعالی اجتماعی دارای نبوغ می‌باشند و به اصطلاح نابغه اجتماعی به شمار می‌آیند. آنها استعداد فوق‌العاده سرشاری دارند که عالی‌ترین تجلیات فکری را از خود بروز می‌دهند! قوانینی هماهنگ با شرایط اجتماعی و رشد جامعه از خود پدید می‌آورند که به آن، دین گفته می‌شود، نفس پاک آنها روح‌الامین است که دستورها را به آنها الهام می‌کند، قوای طبیعی آنان ملائکه و نفس اماره نیز که در برابرشان می‌ایستد شیطان می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۲۸؛ سعیدی روشن، ۱۳۷۹، ۳۵؛ همان، ۱۳۷۵، ۲۹).

درباره پیامبر اسلام ﷺ گفته‌اند: «پیامبر اکرم ﷺ یک نابغه اجتماعی است که برای نجات جامعه انسانی از پرتگاه‌های انحطاط و توحش و استقرار در مهد مدنیت و آزادی، قیام کرده است و به سوی افکار پاک خود که در قالب دین جامع و کامل تنظیم کرده، دعوت نموده است» (طباطبایی، ۱۳۶۰، ۷۳). طرفداران این نظریه ماتریالیست‌ها و مادی‌گرایان هستند که





دین و مسائل متافیزیکی مانند مبدأ و معاد را مردود و وحی را از دیدگاه روان‌شناختی - اجتماعی تفسیر می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۶۰، ۷۴). چنان‌که «هوبرت گریمه» (Hubert Grimme) شرق‌شناس فرانسوی گویا پیامبر اسلام ﷺ را یک نابغه کمونیست شناخته و در کتاب محمد ﷺ می‌نویسد: «محمد ﷺ در آغاز، مردم را به سوی دینی جدید دعوت نمی‌کرد، بلکه آنان را به سوی «تفکر اشتراکی» فرامی‌خواند. بنابراین لازم نیست تلاش کنیم تا ریشه‌های «دین» وی را در ادیان پیش از او بیابیم، زیرا او مصلح اجتماعی بود که تصمیم گرفت فاصله طبقاتی بین فقرا و ثروتمندان را پر کند و برای وادار کردن مردم به انجام این وظیفه اجتماعی، از اهرم معنوی اعتقاد به روز قیامت و حساب و کتاب بهره گرفت» (زمانی، ۱۳۸۵، ۱۲۸ - ۱۲۹؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸، ۱۲۰).

بدین جهت، پیامبر اسلام یک مصلح اجتماعی بود؛ نه پیامبر الهی. از نگاه نظریه‌پردازان این رویکرد، دین در حقیقت از باب دروغ مصلحت‌آمیز می‌باشد که پیامبران با نبوغ فکری خود توانستند قدم‌هایی در جهت رفع مشکلات و اختلافات جامعه بشری بر دارند و برخی دیگر در مورد پیامبر اسلام تا حدودی انصاف به خرج داده و گفته‌اند: «ما تردیدی نداریم که محمد ﷺ در اخبار از آنچه دیده و شنیده راست گفته است ولی سرچشمه این شناخت‌ها خود او بوده است چیزی از عالم غیب برای او نیامده است؛ زیرا وجود ماوراء طبیعت برای ما ثابت نشده است» (رشید رضا، ۱۳۸۰، ۶۰).

### مبحث دوم: نظریه روان‌کاوانه وحی نبوغی

گروهی بر این عقیده‌اند که نبوغ فردی، سبب اندیشه‌هایی در درون افراد می‌شود که از آن به نام «وحی و نبوت» تعبیر می‌کنند. این دیدگاه با استناد به تحلیل روان‌کاوی پیامبر ﷺ با قطع نظر از نبوغ اجتماعی ایشان، درصدد تحلیل «وحی نبوغی» برآمده است (باقری اصل، ۱۳۸۱، ۱۹). آنها وجود نبوغ را معلول یک سلسله حوادث و اتفاقات روانی دانسته و کوشیده‌اند که با بررسی‌های وهمی و پنداری، این علل را در زندگی پیامبران نیز پیدا کنند (طاهری، ۱۳۷۷، ۲۴۵).

در نظر آنان عواملی که موجب بالا رفتن استعداد و پیدایش نبوغ می‌گردد، به قرار زیر است: ۱. عشق، این عامل قوی‌ترین و پرانرژی‌ترین افکار را به وجود می‌آورد؛ زیرا عشق طولانی سبب می‌شود که عاشق، صحنه‌های رؤیایی را در سر بیوراند و فکر وی در طولی این مدت سریع و پرانرژی گردد. ۲. ستم‌کشی، سبب می‌شود که فرد ستم دیده، فکر خود را برای رفع ستم به کار اندازد و لحظه‌ای آرام ننشیند. ۳. در اقلیت قرار گرفتن و شرایط نامساعد اجتماعی، از عوامل رشد این افکار است؛ زیرا یک اقلیت برای پر کردن فاصله‌ای که با اجتماع دارد، ناچار است به فکر افتد و سرانجام آنچه را می‌خواهد به دست آورد. ۴. ناملايمات دوران کودکی، چون در این سن کودک برای مبارزه با مشکلات آمادگی ندارد، در برابر پیشامدهای ناملايم، به درون‌گرایی می‌پردازد، در این صورت افکار کودک رشد می‌کند. ۵. تنهایی، به افکار انسان رشد می‌بخشد؛ زیرا هنگامی که با افراد دیگر هستیم مجبوریم لاقل برای مدت کم هم که باشد مغز و افکار خود را در اختیار دیگران بگذاریم. ۶. سکوت و بیکاری، سبب می‌گردند که اراده، کمتر فعالیت کند و افکار غیرارادی آزادانه جریان یافته رشد کند. ۷. پرورش نخستین در پیدایش نبوغ نقش بزرگی را ایفا می‌کند (سبحانی، ۱۳۷۰، ۲۲۳-۲۲۴)؛ بنا بر تحلیل این نظریه، مجموع علل یادشده سبب می‌شود که افکار پیامبران درباره مسائل اجتماعی رشد یابد و راه‌های تازه‌ای را برای زندگی به مردم نشان دهند.

### فصل سوم: نقد نظریه وحی نبوغی

خاورشناسان و مخالفان وحی الهی نتوانسته‌اند برای اثبات نظریه نبوغ دلیل خاصی را ارائه کنند تا این ادعا از مرحله «تئوری و فرضیه احتمالی محض» به مرحله «نظریه علمی مستند به شواهد و دلایل» برسد و ما بتوانیم به نقد و ارزیابی آن دلایل بپردازیم؛ بلکه صرفاً ادعایی شده است که اکنون به نقد آن می‌پردازیم.

### مبحث اول: قطعی نبودن نبوغ

ادعای وحی نبوغی در روان‌شناسی یک امری قطعی و تخلف‌ناپذیر نیست؛ زیرا ممکن است کشفیات جدید برخلاف ادعاهای سابق باشد. نوابغ هرگز نمی‌توانند از آینده به صورت



قطعی و جزمی خبر دهند بلکه آن را با کلمات «شاید»، «به نظر می‌رسد» و «حدس می‌زنم» همراه می‌کنند. نبوغ نیز دارای تعریف خاص و حوزه محدودی است و هر کاری از نایغه ساخته نیست. چون «نبوغ»، استعداد و تیزهوشی فوق‌العاده‌ای است که دارنده آن می‌تواند مطالبی را که افراد دیگر پس از تحقیق و تفحص و آزمایش‌های متعدد می‌توانند به آنها دست یابند؛ او با سرعت بیشتر همه آن مراحل را طی کرده و «قدرت سرعت انتقال ذهن» وی را فوری متوجه آن مطالب می‌کند (زمانی، ۱۳۸۵، ۱۳۵). بنابراین، محدود فهم و ادراکات نوابغ همان محدوده ادراکات بشری است و نوابغ را راهی به سوی ادراک مافوق بشری نیست. اما در محتوای دعوت پیامبران اخبار قطعی و جزمی وجود دارد که اثری از آن در کتاب‌های تاریخ و زیست‌شناسی باقی نمانده بود.

### گفتار اول: پیروزی رُم بر ایران

روزی که ملت فارس بر مسیحیان به‌ظاهر غالب گردیدند، هیچ‌کس باور نمی‌کرد که در مدت کمی ورق برگردد و ملت مغلوب، غالب و ملت غالب، مغلوب شود؛ ولی پیامبر اسلام ﷺ این گزارش را به‌صورت قطع و یقین مطرح کرد گفت: «غَلِبَتِ الرُّومُ، فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَ هُمْ مِنْ بَعْدِ غَلِبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ (روم / ۲ و ۳)؛ رومیان مغلوب شدند، در نزدیک این سرزمین؛ و پس از مغلوب شدن بار دیگر غالب خواهند شد». این گزارش‌های قطعی از ویژگی‌های پیامبران الهی است که در پرتو ارتباط با مبدأ جهان از روی حوادث آینده پرده برداشته و گزارش می‌کنند. اما نوابغ، معمولاً با تعلیم و تربیت، استعدادهای درونی خود را شکوفا می‌سازند و بدون تحصیل علم و تمرین، قادر بر انجام دادن کاری نیستند.

### مبحث دوم: اخبار شگفت‌انگیز علمی

خداوند در آیات مختلف از قرآن کریم، به مراحل خلقت انسان اشاره کرده است. یکی از آنها مرحله «علق» است. واژه «علق» شش بار (علق / ۱ و ۲؛ حج / ۵؛ مؤمنون / ۱۴؛ غافر / ۶۷؛ قیامت / ۳۴)، در پنج آیه به صورت‌های مختلف به کار رفته است. همچنین سوره‌ای با نام

«علق» نازل شده است. «أَفْرَأَ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (علق / ۱- ۲): بخوان به نام پروردگارت که بیافرید، آدمی را از لخته خونی بیافرید».

### گفتار اول: علق در لغت و اصطلاح

علق جمع «عَلَقَه» و در اصل به معنای چیزی است که به چیز بالاتر آویزان شود. کاربرد آن در خون بسته زالو - خون منعقد که در اثر رطوبت به هر چیز می‌چسبد، کرم سیاه که به عضو آدمی می‌چسبد و خون را می‌مکد - می‌باشد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۲۰۳-۲۰۴؛ قرشی، ۱۳۷۱، ۳۲). در مواردی که علق به کار رفته، «چسبندگی» و «آویزان بودن» لحاظ شده است. اکثر مفسران اتفاق نظر دارند که ۵ آیه اول سوره علق، نخستین آیاتی است که در غار حرا بر پیامبر اسلام ﷺ نازل شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۵۹/۲۷).

### الف - علق از نگاه علم

علق از نگاه علم همان خون بسته‌ای است که از ترکیب اسپرم مرد با اوول زن حاصل و سپس به رحم زن داخل و بدان آویزان می‌شود. پس از پیوستن نطفه مرد به تخمک زن، تکثیر سلولی آغاز می‌شود و به صورت یک توده سلولی به شکل توت درمی‌آید که به آن مارولا (Marula) می‌گویند و در رحم لانه‌گزینی می‌کند، یعنی سلول‌های تغذیه‌کننده به درون لایه مخاطی رحم نفوذ می‌کنند و به آن آویزان (نه کاملاً چسبیده) می‌شوند. قرآن این مطلب را با تعبیر زیبایی «علق» بیان کرده است. اگر واژه «علق» را به معنای خون بسته بپذیریم، می‌توانیم تناسب آن را با موارد کاربردش این‌گونه بیان کنیم: ۱. چسبنده بودن آن؛ یعنی کرمی که برای مکیدن خون به بدن می‌چسبد. ۲. آویزان شدن آن به جداره رحم. ۳. مشابه زالو بودن و ۴. تغذیه از خون.

در وجه تشبیه به زالو گفته‌اند که در مرحله ایجاد جنین، از هر دو جنس، ماده‌ای به نام «هپارین» ترشح می‌شود تا اینکه خون در موضع منعقد نشود و تغذیه پذیر باشد و شکل علقه مانند زالو کاملاً مسطح است و این حالت در چهار هفته اول ادامه دارد (رضایی، ۱۳۸۷، ۴۹-۵۰؛ نجفی، [بی‌تا]، ۹۹). در نتیجه با توجه به دیدگاه دانشمندان، مفسران و اهل لغت، «علق»

به معنای «خون بسته» آویزان به رحم است درحالی که خداوند می‌توانست با بیان «الدم المنقبضه؛ خون بسته» مطلب را ذکر نماید، اما با آوردن واژه «علق» دو موضوع «خون بسته» و «آویزان بودن» را مورد توجه قرار دارد که با نظریات جدید پزشکی نیز همخوانی دارد (رضایی، ۱۳۸۷، ۴۹-۵۰). این مطالب علمی ویژه‌ای که در قرآن بیان شده بیانگر اطلاعات دقیق و گسترده آورنده آن است. چنان که در علم جنین‌شناسی جدید، آگاهی این مرحله از آفرینش انسان را در آن عصر بدون فیوضات الهی ناممکن می‌داند.

کیث مور (Keith Moore) -استاد جنین‌شناسی (Embryology) دانشگاه تورنتو- بعد از تحقیق درباره همه آیاتی که در قرآن پیرامون جنین‌شناسی وجود دارد، اعتراف می‌کند برخی از مطالبی که قرآن درباره جنین بیان کرده تا چند سال قبل ناشناخته بوده است. ایشان که مؤلف کتاب‌های مرجع در جنین‌شناسی و یک متخصص جهانی در این زمینه است می‌گوید: مشخصاً توصیف قرآن از وجود اولیه انسان به‌مثابه یک «زالو- شبیه لخته» (خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ) (علق / ۲) برای او جدید بود است؛ اما هنگامی که آن را به‌طور دقیق بررسی نموده به این نتیجه می‌رسد که تمام توصیفات قرآن در خصوص جنین‌شناسی درست است و از طرف دیگر این توصیف مربوط به زمانی است که قابل دیدن توسط چشم نیست؛ لذا شخص برای دیدن آن به میکروسکوپ نیازمند است. درحالی که سابقه اختراع میکروسکوپ به حدود کمی بیش از دویست سال قبل می‌رسد و چنین بود که آن مطالب جدیدی را که در قرآن یافته بود به کتابش می‌افزاید و هنگامی که از وی سؤال می‌شود که وجود این اطلاعات در قرآن را چگونه توضیح می‌دهید؟ در جواب می‌گوید: «این فقط می‌تواند وحی الهی باشد!»

اگرچه نمونه فوق‌الذکر از انطباق اطلاعات پژوهش بشری با قرآن توسط یک غیرمسلمان انجام شده، اما از آنجایی که وی از دانشمندان مبرز در موضوع مورد تحقیق بوده، این کشف تاکنون معتبر مانده است (گری میلر، ۱۳۸۰، ۳۵-۳۶). «موریس بوکای» (Maurice Bucaille) -خاورشناس فرانسوی- نخستین کسی است که وحیانی بودن قرآن را پذیرفت و به دور از حب و بغض به قرآن نگریست (زمانی، ۱۳۸۸، ۱۵۶). وی نیز در این باره می‌نویسد:

«من در دوران جوانی انگیزه‌ای برای تحقیق درباره اسلام نداشتم؛ زیرا غالباً در غرب واژه «محمدیسم» را به جای «اسلام» مطرح می‌کردند تا چنین وانمود شود که این دین ساخته و پرداخته یک بشر است؛ نه یک دین که شایسته بررسی باشد؛ اما پس از آنکه با قرآن آشنا شدم و آیات کریمه‌ای را دیدم که رازهایی از طبیعت را در آن عصر بیان کرده که دانش روز آن‌ها را تأیید می‌کند مانند مسائل جنین‌شناسی، شگفت‌زده شدم. به‌ویژه وقتی که قرآن کریم را مبرا از هرگونه مطلب غلطی یافتم، فهمیدم که این کتاب حاصل اندیشه یک انسان نیست، بلکه وحی الهی است.» (اسکندر لو، ۱۳۸۷، ۱۵۷)

بر این اساس، خداوند در بسیاری از این موارد به مؤمنان و مخالفان گوشزد می‌کند که این مطالب فقط از دستاوردهای عالم غیب است که بشر فقط از خداوند جان می‌تواند دریافت کند: «تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ» (هود / ۴۹)؛ «این‌ها از خبرهای غیب است که بر تو وحی می‌کنیم. پیش از این نه تو آنها را می‌دانستی و نه قوم تو. پس صبر کن، زیرا عاقبت نیک از آن پرهیزگاران است.»؛ و نیز می‌فرماید: «ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ» (آل عمران / ۴۴)؛ «این‌ها از خبرهای غیب است که به تو وحی می‌کنیم؛ و اگر نه آنگاه که قرعه زدند تا چه کسی از میانشان عهده‌دار نگهداری مریم شود و آنگاه که کارشان به نزاع کشید، تو در نزدشان نبودی.»

### مبحث سوم: امکان هم‌آوردی برای نبوغ

سطح ادراکات و توانمندی‌های حاصل از نبوغ بشری به‌گونه‌ای است که قابلیت هم‌آوردی توسط دیگر آحاد بشری می‌باشد. حتی اگر معاصرین یک نابغه نتوانند مانند توانمندی‌های او را ارائه کنند، قطعاً دانشمندان قرن‌های پس از وی، توانایی دریافت‌های علمی برتر از نوابغ پیشین را دارند (زمانی، ۱۳۸۵، ۱۳۵ - ۱۳۶)؛ اما آیات قرآنی که پیامبر اسلام ﷺ در ۱۴۰۰ سال قبل ارائه کرده است، دارای ویژگی‌ها و برتری‌ها و جلوه‌های اعجازی است که نه معاصرانش و نه دانشمندان و نوابغ این چهارده قرن نتوانسته‌اند با آن هم‌آوردی کنند. خداوند

برای تنبّه مخاطبان و مخالفان پیامبر اسلام ﷺ دقیقاً به همین عنصر اساسی و نشانه مهم الهی بودن قرآن تأکید کرده و برای اینکه هرگونه شک و بهانه‌ای را از آنان بگیرد با تمام قدرت آنان را به هموردی می‌طلبد: «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَا يُؤْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَا يُؤْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَا يُؤْتُونَ بِمِثْلِهِ» (اسراء / ۸۸؛ هود / ۱۲؛ بقره / ۲۳)؛ «بگو ای پیغمبر اگر جن و انس متفق شوند که مانند این قرآن کتابی بیاورند هرگز نتوانند هرچند همه پشتیبان یکدیگر باشند». قرآن کریم در آیات مختلف کسانی را که در وحیانی بودن و الهی بودن آن شک دارند، به مبارزه فراخوانده است. این هموردطلبی نشان می‌دهد که نبوت پیامبران، غیر از نبوغ نوابغ است. اگر پیامبر نابغه باشد، دیگر نوابغ جهان نیز باید بتوانند در مسائل عقلی و علمی و اخلاقی، مانند ره‌آورد او بیاورند و اگر نمی‌توانند، برای آن است که راه نبوغ با راه نبوت تفاوت اساسی دارد.

#### مبحث چهارم: تغییر در افکار نوابغ

آرای نوابغ دست‌خوش تغییر و تحولات بسیار است. کمتر نابغه‌ای را سراغ داریم که در طول حیات خویش، همواره بر یک نظر واحد بوده باشد؛ چرا که هیچ دانشمندی نمی‌تواند خود را عاری از اشتباه بداند. در حالی که انبیاء عقاید خود را درباره انسان و جهان هیچ‌گاه تغییر نمی‌دادند. از همین جاست که گاه‌گاهی در آثار نوابغ فرهنگ بشری، تضاد و تناقض می‌بینیم؛ درحالی که در افکار انبیاء چنین چیزی مطلقاً دیده نمی‌شود؛ چراکه منشأ وحی عاری از خطا و اشتباه است (نصری، ۱۳۷۸، ۲۰۳).

#### مبحث پنجم: نسبت دادن افکار (وحی) به خدا

برفرض درستی فرضیه وحی نبوغی، چرا حاملان وحی و مدعیان نبوت، تعلیمات و قوانین خود را به خدا نسبت می‌دهند و از سوی خود چیزی را ادعا نمی‌کنند؟ پیامبر اسلام ﷺ مدعی بود که قرآن تماماً وحی الهی است و از نزد خود چیزی به آن نیفزوده است: «قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِن آتَيْتُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ»



(انعام / ۵۰)؛ «بگو من نمی‌گویم خزینه‌های خداوند نزد من است و نیز نمی‌گویم علم غیب دارم و نمی‌گویم فرشته‌ای هستم، من دنبال نمی‌کنم مگر همان چیزی را که به سویم وحی می‌شود، بگو آیا کور و بینا یکسان است؟». آیا صداقت و خلوصی که انبیا در کار خود داشتند و همه از آنها به‌عنوان افرادی راست‌گو یاد می‌کرده‌اند، می‌توان پذیرفت که محتوای وحی حاصل نبوغی آن‌ها بوده و آن را به‌دروغ به خدا نسبت می‌دادند؟! «قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَ لَآكِنَّا اللَّهُ يَمُنُّ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ (ابراهیم / ۱۱)؛ پیغمبرانشان به آنها گفتند درست است که ما نیز جز بشرهایی مثل شما نیستیم، ولی خدا به هر کس از بندگان خویش بخواهد (او را شایسته ببیند)، منت می‌نهد». از این گذشته این نظریه، چیز جدیدی نیست؛ بلکه به گونه‌ای در عصر جاهلیت نیز مطرح بوده است و بعد در قالبی به ظاهر علمی ریخته شده و بیان گردیده است. عرب جاهلی، قدرت‌نمایی پیامبر ﷺ در میدان فصاحت و بلاغت را به قریحه خوش آن حضرت در شعر نسبت داده و او را شاعر می‌خواند (سبحانی، ۱۳۷۰، ۲۲۵). خداوند این مطلب را حکایت کرده و می‌فرماید: «بَلْ هُوَ شَاعِرٌ» (انبیاء / ۵)؛ آنگاه در پی نقد آن برآمده و قرآن را بالاتر از آن می‌داند که محصول قریحه شعری و یا مقام نبوت مقام شاعری باشد، چنانکه می‌فرماید: «وَ مَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُوْمِنُونَ» (حاقه / ۴۱)؛ «(این قرآن) هرگز سخن یک شاعر نیست راستی چرا کم هستند ایمان آورندگان شما». معجزه کنندگان، اهداف والایی دارند که برای اثبات آن، معجزه انجام می‌دهند؛ ولی کار نوابغ این‌گونه نیست؛ بلکه معمولاً فعالیتشان برای کسب شهرت و یا جمع مال و ثروت می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۸۱/۷).

### نتیجه

وحی، حقیقتی است که از خارج وجود نبی به وی افاضه می‌گردد و ایشان هیچ‌گونه دخالتی در نزول وحی ندارند؛ بلکه آنان مخاطب وحی واقع می‌شوند و وظیفه دارند آنچه را به آنها وحی شده، بدون کم‌وکاست به مردم ابلاغ کنند.



خاورشناسان تعبیرات مختلفی نسبت به وحی الهی به کار برده‌اند؛ گاهی وحی را به تأملات شخصی، گاهی به تجربه باطنی و گاهی افاضه یا الهامات نفسانی از آنچه در ذهن پیامبر ﷺ بوده است، تعبیر می‌کنند.

فرضیه تفسیر «وحی نبوغی» که توسط خاورشناسان تبیین شده است نیز، یکی از معضلات و نارسایی‌های تفسیر وحی است که سرچشمه بیرونی وحی را انکار کرده‌اند.

پیش‌فرض قاطبه مسلمانان و مفسران قرآن کریم آن است که قرآن، سخن خداست که از طریق فرشته وحی به پیامبر اسلام ﷺ نازل شده است و جبرئیل و پیامبر ﷺ حق دخالت در لفظ و محتوای آن را نداشته‌اند.

تئوری روان‌شناختی و جامعه‌شناختی از وحی، مستند به شواهد و دلایل علمی نیست؛ بلکه صرفاً ادعایی شده است که با توجه به آیات قرآن کریم و شواهد عقلی بطلان آن ضروری به نظر می‌رسد.

## منابع

- قرآن کریم
- احمدی، حبیب‌الله، پژوهشی در علوم قرآن، چاپ چهارم، قم، فاطیما، ۱۳۸۱.
- ادوارد، سعید، شرق‌شناسی، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۷ ش.
- اسکندر لو، محمدجواد، تأثیرپذیری عبدالکریم سروش از مستشرقان، قرآن‌پژوهی خاورشناسان، شماره ۴، شهریور ۱۳۸۷ ش.
- باقری اصل، حیدر، تأملی در نظریات روان‌شناختی منشأ وحی، فصلنامه علامه؛ فلسفه و کلام، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۱ ش.
- بل، ریچارد، درآمدی بر تاریخ قرآن، ترجمه، بهاء‌الدین خرماشاهی، چاپ اول، قم، مرکز ترجمه قرآن، ۱۳۸۲ ش.
- حکیم، محمدباقر، علوم قرآن، ترجمه، دکتر سردار شهابی، اهواز، انتشارات دانشگاه شهید چمران، ۱۳۸۴ ش.
- ذکاوتی قراگزلو، علیرضا، بازخوانی کتاب شبهات و ردود حول القرآن الکریم، آینه پژوهش، شماره ۱۰۵ و ۱۰۶، مرداد و آبان ۱۳۸۶ ش.
- رشید رضا، محمد، الوحی المحمدی، مصر، مکتبه القاهره، ۱۳۸۰-۱۹۶۰ م.
- رشید رضا، محمد، الوحی المحمدی، ترجمه: محمد علی خلیلی، چاپ سوم، تهران، نشر قیام، [بی تا].
- رضایی، محمدعلی و حلیم اف، محمد الله، مبانی نظری مستشرقان در مورد تناقضات قرآن، قرآن‌پژوهی خاورشناسان، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی، شماره ۶، ۱۳۸۸ ش.
- رضایی، حسن رضا، اهداف و روش‌شناسی آیات پزشکی، قرآن و علم، شماره ۲، شهریور ۱۳۸۷ ش.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، مبانی نظری مستشرقان در مورد تناقضات قرآن، قرآن‌پژوهی خاورشناسان، شماره ۶، شهریور ۱۳۸۸ ش.

- رضوان، عمر بن ابراهیم، آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره، ریاض، چاپ اول، دار الطیبیة، ۱۴۱۳ / ۱۹۹۲ م.
- ریس، اعظم شاهد، اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقان، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۶ ش.
- زمانی، محمدحسن، آشنایی با استشرق و اسلام شناسی غربیان، چاپ اول، قم، جامعۀ المصطفیٰ ۶ العالمیة، ۱۳۸۸ ش.
- زمانی، محمدحسن، مستشرقان و قرآن، قم، مؤسسه بوستان، ۱۳۸۵ ش.
- سبحانی، جعفر، منشور جاوید، قم، مؤسسه امام صادق ۱۳۷۰، ۷ ش.
- سعیدی روشن، محمدباقر، نگرش های گوناگون در تفسیر وحی، صحیفه مبین، شماره ۵، بهار ۱۳۷۵ ش.
- سعیدی روشن، محمدباقر، علوم قرآنی، چاپ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۹ ش.
- طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، قم، انتشارات اسلامی جامعہی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
- طباطبایی، محمدحسین، قرآن در اسلام، چاپ دوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۰ ش.
- طاهری، حبیب الله، درس هایی از علوم قرآنی، چاپ اول، قم، اسوه، ۱۳۷۷ ش.
- قدردان قرا ملکی، محمدحسن، آیین خاتم، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ش.
- کریمی، مصطفی، وحی شناسی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۶ ش.
- میلر، گری، اظهارنظر یک غربی تازه مسلمان / شگفتی های قرآن کریم، ترجمه حامد دردشتیان، گلستان قرآن، شهریور ۱۳۸۰، شماره ۸۰.
- محمدی ری شهری، محمد، فلسفه وحی و نبوت، دفتر تبلیغات، ۱۳۷۱ ش.



- مصباح یزدی، محمد تقی، وحی شناسی، فصلنامه قرآنی کوثر، زمستان ۱۳۸۳، شماره ۱۵ ش.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر پیام قرآن، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- نجفی، گودرز، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، تهران. نشر سبحان، [بی تا].
- نصری، عبدالله، کلام خدا؛ (تحلیل و نقد دیدگاه روشن‌فکران دینی درباره وحی و تجربه نبوی)، تهران، دفتر نشر فرهنگ، ۱۳۷۸ ش.
- نویری، علی‌رضا، روش‌شناسی مستشرقان در تفسیر قرآن و بررسی سنت، قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۸، شهریور ۱۳۸۹ ش.
- وات، ویلیام مونتگمری، محمد پیامبر و سیاستمدار، ترجمه اسماعیل والی زاده، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیه، ۱۳۴۴ ش.

